

صحنه رویارویی اقتصادی چین و آمریکا به حاشیه‌های خلیج فارس رسید

نبرد غول‌ها در خاک عربی

مریم شکرانی: کشورهای حوزه خلیج فارس، صحنه جنگ اقتصادی دو ابرقدرت آمریکا و چین شده‌اند. آمریکا که پس از انقلاب نفت شیل، خاورمیانه را برای خود هزینه اضافه تصور کرده و تصمیم به خروج از منطقه گرفته بود، حالا به نظر می‌رسد که در تصمیم خود تجدیدنظر کرده است...

صفحه ۴

سرمقاله

«چگونه می‌اندیشیم؟»

خرافات سیاسی در سینمای ایران (۱)



کیومرث اشتریان

«چکیده: سینما، نقد فیلم، مستندها و مجموعه‌های تلویزیونی در ایران گاه محملی برای ترویج خرافات سیاسی و گمراهی برخی از جوانان و افشار مذهبی است؛ به‌ویژه از آن رو که ظاهری متفکرانه و شکل و شمایلی از جنس «روشنفکری-حزب‌اللهی» دارد. مهم‌ترین ابزار این جریان تحلیل اسرارآمیز سینماست. نتیجه طبیعی چنین رویکردی انقیاد مخاطبان و تحکیم سلطه قدرت فرد تحلیلگر است.»

با نقد فیلم آغاز می‌کنیم که برای برخی ابزاری برای آفرفروشی و نظریه‌پردازی‌های موهوم خرافاتی است. نقد فیلم‌های آخرالزمانی در این میان از همه جذاب‌تر است و البته تقریبا به‌طور انحصاری به ابزاری برای نظریه‌پردازان خرافات سیاسی تبدیل شده است. فعالیت‌های گوناگون در فیلم و سریال اعم از تولید و تحلیل و نقد از طریق یک «متدلوژی اسرارآمیز» انجام می‌شود که مهم‌ترین ویژگی سینمای خرافات است. تحلیل سینما و سیاست را آتچنان اسرارآمیز جلوه می‌دهند که تنها شمار اندکی از این رازها باخبرند و دیگران نتوان فهم و تحلیل آن را ندارند. اسرارآمیزبودن نباید با پیچیدگی سیاست یکی انگاشته شود. تلقی اسرارآمیز از سیاست، انحصار و انقیاد ایجاد می‌کند درحالی‌که درک سیاست به مثابه امری پیچیده شما را وادار به تلاش علمی برای فهم آن می‌کند. آنگاه که سینما و سیاست اسرارآمیز شد، مردمان باید جیره‌خوار شناخت رازگونه جادوگران سیاسی باشند. دقیقا همچون رمالانی که با مشتریان بینوای خود رفتار می‌کنند تا آنان را به انقیاد افسانه‌های جادویی موهوم خود درآورند. تحلیل فیلم به شکلی اسرارآمیز شکل و شمایلی فیلسوف‌مآب و آشنا به رمز و رموز جهان به ما می‌دهد و البته این برای شماری از جوانان جذاب می‌نماید.فیلم‌های آخرالزمانی (Apocalypse) در بستر سینمای جهان عمدتا از سنخ سینمای علمی-تخیلی است که اغلب چنین منتقدان سینمایی به منوجه وجه علمی آن هستند و نه وجه تخیلی آن. این فیلم‌ها در اساس خود از تئوری‌های علمی در حوزه‌هایی مانند فیزیک، شیمی، پزشکی و... برای فرافکنی به آینده استفاده می‌کنند و از این حیث فیلم‌هایی «علمی‌اند». یعنی تخیل را برای توسعه نظریه‌های علمی و تعمیم آنها به آینده به کار می‌گیرند. مثلا تصور کنید که با پیشرفت نانوتکنولوژی ما بتوانیم بزرگراه‌هایی چندطبقه در توابان مدرس از نانومواد بسازیم که آنچنان سبک و مستحکم باشند که بتوان آنها را در طول سَاعاتی از روز به کار گرفت و در ساعاتی دیگر از همان روز آنها را به‌صورت کرکره‌ای به زیر زمین فرو برد. البته که این هنوز یک تصور است، اما مبتنی بر پیشرفت‌های مقدماتی واقعی نانوتکنولوژی است. در این میان، یک نویسنده سناریویی تخیلی می‌نویسد که ممکن است همین بزرگراه‌ها ابزار حملات موجودات زیرزمینی به انسان‌ها شوند. با تصور کنید که هوش مصنوعی بتواند رازهای دی‌ان‌ای و بافت بدن و مغز را کشف و ربات-انسان‌هایی به‌مراتب قدرتمندتر از انسان امروزی پدید آورد که اختیار را از کف ما برابند و برایمان خطرساز شوند. اغلب فیلم‌های علمی-تخیلی بر مبنای همین پیشرفت‌ها تهدیدهایی را در قالب فیلم‌های آخرالزمانی به تصویر می‌کشند و درباره مخاطراتی که برای انسان و محیط زیست پیش خواهد آمد هشدار می‌دهند و ربطی به آخرالزمان «فلسفه تاریخ» یا مذهب ندارند؛ مگر مواردی نادر. اما، همین فیلم‌های آخرالزمانی تبدیل به دستاویزی می‌شوند تا تئوری‌پردازان خرافات سینمای سیاسی این دو مقوله را در هم آمیزند و قیای روشنفکری معطوف به قدرت خود را با آن بدوزند. برخی هم که گرفتار شمار اندکی از حقه‌پازان شهرت‌طلب‌اند. اگر در این نوشتارها، سخنان این ناقدان را می‌آورم و گاه تند و تیز آنان را نقد می‌کنم، قصد جسارت به آنان نیست، به‌ویژه آنکه برخی از آنان مرحوم شده‌اند و دستان از دار دنیا کوتاه است؛ نرض این است که منتقدانه با آنان گفت‌وگو کنیم و اگر هم اشتباه می‌کنیم از آنان یاد بگیریم.

فیلم‌های آخرالزمانی ابزاری برای ادعاهایی آخرالزمانی از جنسی کاملاً متفاوت از رویکرد علمی در ایران شده‌اند. یکی از همین ناقدان محترم تأثیرگذار در این جریان فکری در برنامه «راز آسمان» می‌گوید «متأسفانه بشر در پایان قرن بیستم به جای بازگشت به اعتقادات دینی مبتنی بر کتب مقدس انبیا به سمت خرافات مدرن، متافیزیک پست‌مدرن و موجودات خیالی رفته است... انسان‌هایی که در جهان بدون خدا، نمی‌دانند که با کسرشک‌های طبیعت چه بکنند؟ فیلم‌هایی که درباره برخورد شهاب‌سنگ‌ها با زمین است، نمونه‌های خوبی برای این مضمون است. مانند فیلم «برخورد عمیق»». این گفته‌ها در حالی است که مثلا همین فیلم مورد اشاره ربطی به اعتقادات دینی ندارد و اساسا تلاش علمی انسان برای مواجهه با طبیعت است. همین فرد محترم در جای دیگری می‌گوید: «تامل در سینمای غرب مبین قریب‌الواقع بودن آخرالزمان از دیدگاه غرب است به همین دلیل سعی می‌کنند با هر اقدامی هر چند ناخردانه به استقبال آن بروند. هم‌اکنون نظریه‌پردازان بسیار زیادی را تأسیس کلوب‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای متعدد اقدام به تحلیل وقایع آخرالزمان و منطبق‌کردن رخدادهای عصر حاضر با مباحث انجیل و تورات کرده و با نمایش فیلم‌های هالیوودی دنیا را به دو قطب خیر و شر تقسیم کرده‌اند تا جایی که مسیحیت را در تقابل با اسلام قرار می‌دهند».

ادامه در صفحه ۴



یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۳ شوال ۱۴۴۴ • ۱۴ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۵۳ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

نگاهی دوباره به شرایط عجیب برجام که میان اختلاف محافل تحلیلی و طرفین درگیر معطل مانده است

وضعیت مجرّهول

در گفت‌وگو با عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تشریح شد: تکاپوی اروپایی‌ها برای آغاز مذاکرات



مخالفان رئیس‌جمهور ترکیه در حدود ۲۰ سال اخیر هیچ‌گاه به اندازه امروز به کنسارزدن «رجب طیب اردوغان» امیدوار نبوده‌اند. رقابت «اردوغان» و «کمال قلیچداراوغلو» در انتخابات امروز با دوقطبی «شریعت» و «سکولاریسم» به سرنوشت‌سازترین انتخابات دهه‌های اخیر ترکیه تبدیل شده است و نتیجه آن فراتر از مرزهای ترکیه خواهد بود.

با توجه به اینکه هم‌زمان با انتخابات ریاست‌جمهوری، انتخابات پارلمانی ترکیه برای انتخاب ۶۰۰ نماینده پارلمان این کشور هم برگزار می‌شود، اگر اردوغان و حزب «عدالت و توسعه» برنده این انتخابات شوند، فضای سیاست داخلی برای مخالفان بسته‌تر خواهد شد و تغییرات بر اساس تفسیر اردوغان از «شریعت» در تمام عرصه‌ها از اقتصاد گرفته تا جامعه، ادامه خواهد یافت. در آن سو «قلیچداراوغلو» که نامزد «کمالیست‌های» ترکیه محسوب می‌شود وعده داده تا در صورت پیروزی در انتخابات امروز، به ارزش‌های دوران قبل از حاکمیت اردوغان و حزب عدالت و توسعه بازگردد و رابطه با غرب را

یادداشت

مصدقی‌های چپ و مشکل اقتصاد ایران



هادی کحال‌زاده*

مناظره تلویزیونی آقایان غنی‌نژاد و درخشان در شبکه افق واکنش‌های فراوانی در رسانه‌ها و فضای مجازی برانگیخت. از جمله نشریه تجارت فردا در شماره ۴۹۷ یک پرونده ویژه به این مناظره و موضوع اصول اقتصادی قانون اساسی اختصاص داد. بررسی محتوای این مباحث، فارغ از نسبت آن با مشکلات کنونی اقتصاد ایران، از منظر ارزیابی توانایی «حل مسئله» در نظام تدبیر اقتصادی کشور حائز اهمیت است. اگرچه متولی اصلی «حل مسئله» و ارائه «راه‌حل» نهاد دولت است اما نهاد دانشگاه و متفکران علوم اجتماعی نیز عموما در شکل‌دهی «راه‌حل» یا ارائه دیدگاه جایگزین مؤثر هستند. از این رو محتوای مناظره و بحث‌های شکل‌گرفته در دفاع از هر یک از دو دیدگاه به نوعی توانایی این دو دیدگاه در حل مسائل کنونی اقتصاد ایران را نشان می‌دهد. برای سنجش توانایی «حل مسئله» نخستین گام، ارزیابی توانایی فرد یا یک نهاد از نشان‌دادن «مشکل اصلی» و ترسیم نقشه راه یا تئوری تغییر برای مشکل است. تا براساس آن، راه‌حل، مداخله یا جهت‌گیری برای حل مشکل طراحی شود. بیانات دکتر درخشان به عنوان برجسته‌ترین اقتصاددان به عنوان یکی از چهره‌های اقتصادی منتقد دولت و توانایی جریان ایشان در ارائه راه‌حل برای مشکلات اقتصادی کشور نیز قابل تأمل است. دکتر غنی‌نژاد در تبیین مسئله اصلی، «ریشه بدبختی ما» را سیطره «مصدقی‌های چپ» یا براساس کشف برخی رخنه‌ها، نفوذ

عناصر KGB در تودین اصل ۴۴ قانونی اساسی می‌داند. بر این باور، اصول قانون اساسی چپ‌زده ایران اصلی‌ترین عامل تله توسعه در ایران بعد از انقلاب است. این تبیین مسئله هم از نظر تاریخی و هم از نظر عملکرد دولت‌های پس از انقلاب دارای ایرادات فراوانی است. دکتر غنی‌نژاد در مناظره می‌گوید «ریشه بدبختی ما اینجااست» که بخش اقتصادی قانون اساسی (اصل ۴۳ تا ۵۵) به عنوان میانی اقتصادی جمهوری اسلامی توسط «مصدقی‌های چپ» و مشخصا بنی‌صدر، شریعتی و بهشتی تدوین شده است که نه‌تنها «مباحث معاملات فقه در آن نیست» یا «اصلا از اسلام در آنجا خبری نیست» بلکه این اصول مبتنی بر الگوی توسعه غیرسرمایه‌داری (non-capitalist development theory) طراحی شده است. اما ارجاع به پیش‌نویس قانون اساسی، دکتر غنی‌نژاد می‌گوید بعد از پیش‌نویس «فقه‌ها آمدند و گفتند که آقا اینجا کشور اسلامی است و شما کجا از اسلام دارید حرف می‌زنید؟ پس نقش اسلام در اقتصاد چه می‌شود؟». «ریشه مشکلات امروزی ما از آن خشت اولی بود که کج نهاده شد. چه کسی این را بنا نهاد؟» «مصدقی‌های چپ». اما این روایت از «مشکل اصلی» اقتصاد ایران از لحاظ تاریخی، فنی و عملکرد اقتصادی دولت‌های بعد از انقلاب مخدوش است. برخلاف ادعای دکتر غنی‌نژاد که ۱۲ اصل اقتصادی تحت تأثیر بنی‌صدر نوشته شده، متن پیش‌نویس و صورت مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی به روشنی نشان می‌دهد که برخی از اصول از جمله اصل ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۰ در پیش‌نویس موجود نیست و اصل ۴۳ (اصل ۸ پیش‌نویس) نیز به‌طور کامل تغییر یافته است. دوما این اصول و خصوصا اصل ۴۳ و ۴۴ توسط گروه مسائل اقتصادی و امور مالی (بنی‌صدر-شیخ علی تهرانی- موسوی‌اصفهانی- محمدعلی موسوی‌جزایری- منیرالدین حسینی- حسن عضدی- جواد فاتحی و هراب خالاتبان) تدوین نشده بلکه توسط گروه اصول کلی و اهداف قانون اساسی (بهشتی- آیت- ربانی‌شیرازی- محمود روحانی- جلال‌الدین فارسی- مشکینی- جوادی‌املی- علی‌اکبر قرشی-

آیت‌الله جوادی آملی:

مسئولان، امنیت اقتصادی مردم را هم تأمین کنند

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در دیدار رئیس جمعیت هلال‌احمر تأکید کرد: بهترین نعمت، نعمت امنیت است. اینکه وقتی حضرت ابراهیم خلیل کعبه را ساخت، به خدا فرمود خدایا ما کعبه را ساختیم....

صفحه ۳



سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری در گفت‌وگو با «شرق»

تعمدی در کمبود بلیت هواپیما نیست

از مردم عذرخواهی می‌کنیم

۴

یادی که می‌ماند

کتابخانه‌ای به یاد تکتیم

۱۰

قوانینی به نام زنان اما...

بحثی حول تعهدات قانونی کارفرمایان در قبال مادران شاغل

۸



ساپینتو بماند یا برود؟

استقلال به مهم‌ترین دوراهی ممکن رسیده است

۹

یادداشت

ما باید تافته جدا بافته باشیم



سیدشهاب‌الدین طباطبایی

مردامه‌ها سال ۱۴۰۰، همین‌جا در روزنامه «شرق» درباره کشتی به کل نشسته انگلیسی‌که با اسم کشتی یونانی شناخته می‌شود و فعلا تا زمان غرق شدنش یکی از جاذبه‌های مهم توریستی کیش شده بود، نوشت. در بخشی از آن یادداشت با امیدواری ساده‌لوحانه‌ای که البته هنوز هم دارم و از داشتنش همچنان راضی‌م، این‌طور نوشته بودم: «این تکه‌آهن قراضه و زنگ‌زده که روزی برای خودش کشتی آبرومند و بزرگی بوده و اقیانوس‌های زیادی را پیموده و از بخت خوب یا بدش اینجا به‌یادمان رسیده، زودتر از آنچه فکرش را بکنید بی‌آنکه جایگزینی برایش داشته باشید ترکمان می‌کند. میهمان ناخواسته‌ای‌که میزبان خوبی برایش نبودیم، کاری برای حفظش نکردیم، چه می‌گوییم، مگر برای خودمان چه کرده‌ایم که بخواهیم برای این غول هفت هزارتنی کاری بکنیم؟ بگذریم، بیایید برای اینکه شاید کمی حال این روزهایمان بهتر شود اندکی تخیل کنیم، فکر محال هم شاید یک روز شدنی شد. فکر کنیم یک نفر از میان مدیرانی که هر روز فقط حرف می‌زنند و حرف می‌زنند و حرف می‌زنند، بیاید بگوید در طول همه این سال‌ها برای یک بار هم که شده به آینده فکر کرده بودیم، بگوید اول از همه طبق نظر کارشناسان باور کرده بودیم که کشتی به کل نشسته بالاخره غرق می‌شود، دوم اینکه از اول مطابق برنامه عملیاتی بدون حضور مدیرانی که زیاد حرف می‌زنند یا حرف زیادی می‌زنند مشغول تدارک ساخت جایگزینی غافلگیرکننده و جذاب برای همراهی با غروب دل‌انگیز جزیره بودیم، سوم اینکه از ابتدای این کار قسم خوردیم برای اینکه کار به سرانجام برسد چشمداشتی به بودجه ساخت سازه جدید نداشته باشیم، چهارم تصمیم‌گیرندگان و طراحان و سازندگان و ناظران چون فقط به نتیجه و خوشحالی شما مردم فکر می‌کردند دعوا و کارشکنی در کار را کنار گذاشتند، پنجم کسی خودش را مطرح نکرد، مصاحبه نکرد و قول نداد تا به وقت آماده‌شدن جایگزین اعلامش کنیم تا اگر کار به هر دلیلی خارج از اراده مصمم ما طول کشید، دل‌آزده نشوید، آخر تکدر خاطر شما برایمان مهم است. آخر نمی‌خواستیم به وقت غروب دل‌های نازک و خسته‌تان بیشتر بگیرد. مهم‌تر از همه اینها می‌خواستیم یادتان بیندازیم که حواس‌مان به همه چیز هست، تا بگویم شایسته بهترین‌ها هستید و ما مدیران شایسته شما هستیم. و حالا این شما و این کار تمام‌شده ما... لذت ببرید. قابلی نداشت فقط به وظیفه‌مان که خوشحال‌کردن شماست عمل کردیم». و حالا دیروز صبح از خواب بیدار شدیم و یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین و سبزترین درختان همچنان پابرجای لسور یا همان انجیر معابد را بی‌شاخ و برگ و خشکیده دیدیم. و درنگ‌اکت اینکه هیچ‌کدامان دیگر چندان حیرت نکردیم، انکار حس و حالِ تعجب و تحیر و تأسف‌مان هم ته کشیده.

ادامه در صفحه ۴